

اعتبار الحدود الجغرافية ومسؤوليات العوام والخواص في المحافظة على الحدود من وجهة نظر فقهاء المذاهب

روح اله شريفى^١

رضا إسفنديارى^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/١/٣٠؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٦/٢٧- ش]

الملخص

هذا النص يستكشف ويقيّم وجهة نظر فقهاء المذاهب الإسلامية بخصوص الحدود الجغرافية ومسؤولية عامة الناس وحراس الحدود المحترفين، من خلال اختيار المنهج التحليلي الوصفي. تقوم الاحتلالات الاستعمارية والحروب التي تهدف إلى فتح البلاد بدفع المؤسسات الدولية إلى تحديد حدود الأراضي بشكل محدد. الحدود تعني خطوط الفاصل الافتراضية بين دولتين مستقلتين. تركزت الأبحاث في مجال الحدود بشكل أكبر على أحكامها، ولم يتم التطرق إلى مسألة مصداقية الحدود الجغرافية وحراسة الحدود مع مراعاة التغيرات الجوهرية فيها؛ لذا من الضروري إجراء بحث شامل في هذا المجال. لا يعتبر الفقهاء الشيعة الحدود الجغرافية شرعية، ولكنهم يقبلون هذه الحدود بناءً على الضرورة والمصالح الثانوية. كما يرون الفقهاء السنة جواز وجود دول إسلامية متعددة وأصدروا فتاوى بشأن تعدد الأئمة ويقبلون الحدود الجغرافية بين الدول الإسلامية. يرون معظم الفقهاء الشيعة والسنة أنه من الواجب الكفاية في مراقبة الحدود. لم يقيم فقهاء المذاهب الإسلامية بتفصيل بين عامة الناس وحراس الحدود المحترفين. بيد وأنه في الظروف الحالية يجب أن يكون هناك استحباب لحراسة الحدود من قبل عامة الناس ووجوب حراسة الحدود بشكل ملموس للحراس الحدود المحترفين.

الكلمات المفتاحية: الحدود، المراقبة على الحدود، الفقهاء، المذاهب الإسلامية، الوجوب، الإستحباب.

١.. طالب دكتوراه في الفقه المقارن وأسس القانون الإسلامي، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (المؤلف المسؤول)

roohellahshariff20@gmail.com

٢.. الدكتوراه الاختصاصية، الأستاذ المشارك، أستاذ مشارك في مكتب الدعوة في الحوزة العلمية في قم، إيران

r.esfandiari@isca.ac.ir

اعتبار مرزهای جغرافیایی و مسئولیت عام و خاص در مرزداری از نظر فقیهان مذاهب

روح اله شریفی^۱

رضا اسفندیاری^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۷]

چکیده

این نوشتار با برگزیدن روش تحلیلی - توصیفی، دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی را در باب مرزهای جغرافیایی و مسئولیت عموم مردم و مرزداران حرفه‌ای در امر مرزداری با دقت بیشتری بررسی و نقد می‌کند. اشغال‌گری استعمارگران و جنگ به منظور کشورگشایی، نهادهای بین‌المللی را بر آن داشت تا محدوده سرزمین‌ها را با مرز مشخص کنند. مرز به معنای خطوط فرضی حد فاصل دو کشور مستقل است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه مرز بیشتر به احکام آن اختصاص یافته است؛ اما به مسئله اعتبار مرزهای جغرافیایی و مرزداری با توجه به تغییرات بنیادین آن پرداخته نشده است؛ از این رو لازم است تحقیقی جامع در این زمینه انجام شود. فقیهان شیعه مرزهای جغرافیایی را شرعی نمی‌دانند؛ ولی بنا بر ضرورت و مصالح ثانوی این مرزها را می‌پذیرند. فقیهان اهل سنت نیز قائل به جواز وجود کشورهای مختلف اسلامی هستند و به تعدد امامت فتوا داده‌اند و مرزهای جغرافیایی بین کشورهای اسلامی را می‌پذیرند. بیشتر فقیهان شیعه و اهل سنت قائل به وجوب کفایی مرزداری هستند. فقیهان مذاهب اسلامی هیچ‌کدام قائل به تفکیک بین عموم مردم و مرزداران حرفه‌ای نشده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی باید قائل به استحباب مرزداری برای عموم و وجوب عینی مرزداری برای مرزداران حرفه‌ای شد.

کلیدواژه‌ها: مرز، مرزداری، فقیهان، مذاهب اسلامی، وجوب، استحباب.

۱.. دانشجوی دکتری فقه مقارن و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

roohellahshariff20@gmail.com

۲.. دکترای تخصصی، دانشیار، دانشیار پژوهشگاه دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ایران r.esfandiari@isca.ac.ir

مقدمه

مرز و مرزداری از مسائلی است که از کهن‌ترین روزگاران مورد توجه تمام ملت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف بوده است؛ مسلمانان نیز همانند دیگر اقوام و ملت‌ها اهتمامی ویژه به این مسئله داشته‌اند. فقیهان مذاهب اسلامی هم از قدیم در خلال مباحث فقهی مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و امور حسبه به این موضوع پرداخته‌اند. مفاهیمی مثل رباط، مرابطه، حدود و ثغور مربوط به حوزه مرز و مرزداری است که در آثار فقهی به آنها پرداخته شده است. از آیات متعدد در باب جهاد با کفار، مقاتله و حفظ مرزها و سرحدات بلاد اسلامی، دو مورد به مرزداری اختصاص دارد. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی پیشه سازید و پایداری ورزید و مرزها را پاس بدارید» (آل عمران: ۲۰۰)؛ همچنین در سوره انفال (آیه ۶۰) امر به مرزداری شده است.

روایاتی نیز از طریق فریقین به ثواب مرزداری اشاره دارد؛ برای نمونه در بخاری آمده است: «یک روز مرزداری در راه خدا از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر است». بیشتر فقیهان قدیم مذاهب اسلامی، مرز را شرعی نمی‌دانند و جهان را به بلاد کفر و بلاد اسلامی تقسیم می‌کنند؛ ولی تقریباً تمامی فقیهان معاصر، مرزهای جغرافیایی را به اجبار یا به ضرورت می‌پذیرند و باورمندند هیچ کشوری حق تجاوز به کشور دیگر را ندارد. هدف در مرزداری سنتی، حفاظت و حراست از مرزها به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن بود؛ زیرا خطرها و تهدیدهای حوزه مرزی محدود بود؛ از این رو در مواقع ضرورت باید از مرزها محافظت می‌شد. اما امروزه به صورت شبانه‌روزی از مرزها مراقبت می‌شود و این مهم توسط ابزارآلات پیشرفته و تکنولوژی مدرن انجام می‌شود. قاچاق انسان و کالا و مواد مخدر نمونه‌هایی از خطرهای حوزه مرزی است. حفاظت از مرزها نیاز به نیروی انسانی تعلیم‌دیده دانشگاهی دارد که کار با ابزارآلات موردنیاز مرزداری را یاد گرفته باشد. امروزه مرزداری تبدیل به حرفه‌ای در رسته نظامی

شده است. در این باره تحقیقاتی انجام شده است؛ اما پژوهش‌های انجام شده، احکام مرزداری را بیان می‌کنند و مسئله اعتبار مرزهای جغرافیایی که مبحثی جدید است، در این تحقیقات مغفول مانده است؛ در نتیجه انجام پژوهشی جامع با تکیه بر آیات و روایات و بیان دیدگاه‌های فقیهان مذاهب اسلامی ضروری می‌نماید.

۱. پیشینه پژوهش

در گذشته فقیهان مذاهب اسلامی مبحث مرز و مرزداری را ذیل ابواب دیگر فقه مطرح می‌کردند. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در این باره انجام شده است؛ از جمله محمد حسن احمدی کتاب تبیین مفهوم مرز و جایگاه آن در فقه سیاسی اسلام را نگاشته است. ۱. همچنین حبیب قیصری مقاله‌ای با عنوان «مبانی فقهی مرزبانی در مسئولیت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» نوشته است. ۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی فقهی مرزبانی در نظام اسلامی» توسط احمد نعمتی در سال ۱۳۹۵ نگاشته شده است. همه این آثار درباره احکام مرز و مرزداری و غالباً بیان‌کننده دیدگاه مذهب شیعه است؛ اما نوشتار حاضر افزون بر بررسی اعتبار مرزهای جغرافیایی و مسئولیت مردم و مرزداران در مرزداری، به دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی نیز پرداخته است.

۲. مفاهیم

الف) اعتبار

اعتبار در لغت از ماده (عبر) به معنای اختصار، اختصاص دادن، رسیدگی و گذشتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۵۳۱). علامه طباطبایی اعتبار را چنین تعریف می‌کند: «اعتبار، دادن حد چیزی است به چیز دیگر در ظرف عمل» (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص

(۱۱)؛ یعنی شیئی را که واقعاً مصداق یک مفهوم نیست، مصداق آن قرار دهیم تا آثاری را در مقام عمل بر آن مترتب سازیم. در اصطلاح فقیهان اعتبار به معنای امور مجعول به جعل جاعل نافذ است (عراقی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۰۱). در اینجا منظور از اعتبار، سندیت و شرعیت است.

ب) مرز

مرز در لغت به معنای خط فاصل میان دو کشور و مترادف با واژه‌های سرحد، در بند، ثغر و حد است (دهخدا، ۱۳۷۳: ص ۱۲۵). اما در اصطلاح پدیده‌ای فضایی است که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت است و مطابق قواعدی خاص در برابر انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند (آقابابایی، ۱۳۸۹: ص ۸۹). میرحیدر در تعریف خود به مرزهای سیاسی اشاره می‌کند و آن را مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر می‌داند: «خطوط مرزی، خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند» (آقابابایی، ۱۳۸۹: ص ۸۹).

ج) جغرافیا

ریشه جغرافیا از یونان باستان است. جغرافیا یا زمین‌نگاری شاخه‌ای از علم است که خشکی‌ها، ویژگی‌ها، ساکنان و پدیده‌های زمین را مطالعه می‌کند (hawzah.net/fa/Articl).

د) مرزداری

دهخدا مرزداری را همان عمل مرزدار می‌داند و معانی لغوی این واژه را حفاظت خطوط مرزی، نگهداری و پاسداری مناطق سرحد مملکت آورده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ص

۱۲۵). همچنین معنای لغوی واژهٔ مرزدار، مرزدان، حاکم، حکمران مناطق مرزی، سرحددار و سرکرده و سردار است (دهخدا، ۱۳۷۳: ص ۱۲۵).

۵- مذاهب

در این جستار به بررسی دیدگاه فقیهان مذاهب پرداخته می‌شود که منظور مذاهب شیعه و اهل سنت است.

۳. آیات و روایات مرزداری

در قرآن کریم دو آیه و در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت روایات فراوانی اختصاص به مرز و مرزداری دارد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

الف) آیات

در قرآن کریم دو آیه اختصاصی به مسئله مرز و مرزداری پرداخته است که عبارت اند از: آیهٔ ۶۰ سورهٔ «انفال» و «آل عمران».

«اعدوا» در سورهٔ «انفال» امر به آمادگی است و باید به دنبال تجهیزات رزمی رفت و آنها را به دست آورد. جملهٔ «ما استطعتم»؛ یعنی هر اندازه توانایی دارید. «من قوه»؛ یعنی هر چیزی که باعث قدرت و برتری بر دشمن می‌شود، مانند انواع ابزار و استحکام‌های دفاعی و نیروی انسانی و جملهٔ «و من رباط الخیل» عطف به «من قوه» است و به معنای اسب‌های ورزیده است که در گذشته مهم‌ترین وسیله جنگی بود و امروزه ابزار دیگری جای آن را گرفته است. «ترهبون» یعنی تا دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. برخی مفسران شیعه ادعا کرده‌اند این آیه صراحت در امر مرزداری دارد و آن حفظ مرزهای اسلام از تهدیدهای دشمن

یا ارهاب آنان است. علامه حلی معتقد است مردی که خود نمی‌تواند از مرزها پاسداری کند، باید از افرادی که آمادگی و شایستگی این کار را دارند، کمک بگیرد؛ از این رو «مربطه» را با انفاق و احسان در یک ردیف شمرده است. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لاتظلمون: هرچه در راه خدا انفاق نموده‌اید، از اجرها و پاداش‌های شما کاسته نمی‌شود» (حلی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۵۹ - ۴۶۰).

ظاهر این آیه نشان‌دهنده وجود آمادگی رزمی و افزایش قدرت در حد توان است و وجوب مرزداری اصطلاحی از آن برداشت نمی‌شود؛ ولی این آیه به اعتبار عمومیت معنای «و اعدوا لهم ما استطعتم»، دلالت بر مرزداری می‌کند؛ زیرا مرزداری از مصادیق آمادگی رزمی است که آیه به آن امر می‌کند (نوری همدانی، [بی‌تا]: ص ۹۲).

برخی از مفسران اهل سنت «رباط» را این چنین معنا می‌کنند: «رباط در اصل مصدر "ربط" و به معنای مربوط است و در اسمی که در راه خدا برای مرزداری از آن استفاده می‌شود زیاد به کار می‌رود. منظور از "قوه" هر چیزی است که شأنیت این را دارد که مؤمنان را قوی کند؛ مانند آماده کردن لشکر آزموده و اسلحه‌های متنوعی که مختص هر زمان است» (طنطاوی، [بی‌تا]: ص ۱۸۵۷ - ۱۸۵۸).

در آیه ۲۰ «آل عمران» جمله مورد مناقشه، «رابطوا» است که از آن برداشت‌های متفاوتی شده است. ریشه آن از رباط و به معنای بستن چیزی مانند اسب در یک مکان است. دلیل اینکه به مرزداری مربوط می‌گفتند این بود که در قدیم سربازان در مرز اقامت می‌کردند و همچنین مرکب‌ها و وسایل جنگی مورد نیاز در مرز نگهداری می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۲۶۶). برخی از مفسران شیعه معتقدند جمله «رابطوا» از همین مربوطه است؛ چون همان معنا، متبادر با فهم و ذهن است (حلی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۰). عده‌ای از مفسران اهل سنت چنین بیان می‌کنند: قول صحیح این است که رباط

به معنای مقیم شدن مرز برای مرزداری در راه خداست و اصل آن از بستن اسب گرفته شده و سپس به همه مرزداران اطلاق شده است؛ چه سوار بر اسب باشد و چه پیاده. در حدیث نبوی نیز انتظار نماز به مرزداری در راه خدا تشبیه شده است (طنطاوی، [بی تا]: ص ۸۳۶). این نظر میان اهل سنت نیز مخالفانی دارد؛ برخی گفته اند در معنای «رابطوا» دو نظریه وجود دارد؛ اول: به معنای پیوند اسبها و ایجاد خطوط دفاعی در مرزهاست. دوم: منظور از «رابطوا» انتظار کشیدن برای نماز آینده پس از اتمام نماز قبلی است (ابن عجبیه، [بی تا]: ج ۱، ص ۳۸۶). با بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت در باب این دو آیه، به نظر می رسد برخی از مفسران معتقدند این دو آیه درباره مرز و مرزداری است؛ اگرچه مخالفانی نیز بین مفسران اسلامی دارد.

ب) روایات

روایات بسیاری درباره مرزداری در منابع حدیثی فریقین وجود دارد. سلمان فارسی روایتی را از پیامبر (ص) نقل می کند که ثواب یک روز مرزداری در راه خدا، برتر از یک ماه روزه داری است و آن را هم ردیف با جهاد در راه خدا می داند (احسائی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۸۷). در حدیث دیگری یک روز مرزداری را از دنیا و هر آنچه در آن است بهتر می داند (بخاری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۴۳). در منابع حدیثی اهل سنت احادیثی با این مضامین بسیار یافت می شود (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۶۲). در این روایات به خوبی به ارزش و جایگاه مرزداری میان عبادات اشاره شده است. شاید رمز در این است که اگر با غفلت از مرزها و حراست نکردن از آنها کشور به دست دشمنان بیفتد، دیگر جایی برای انجام دیگر عبادات و اجرای احکام اسلام در جامعه باقی نمی ماند.

۴. دیدگاه مذاهب فقهی درباره اعتبار مرزهای جغرافیایی

سرزمین‌ها در صدر اسلام توسط سرحدات از هم جدا می‌شدند. سرحد منطقه‌ای بود که بین دو قلمرو قرار داشت. بعد از جنگ‌های جهانی برای جلوگیری از وقوع نزاع بین کشورها، مرزهای جغرافیایی نوین شکل گرفتند. پرسش این است که آیا مرزهای جغرافیایی مورد پذیرش اسلام هستند یا نه؟ فقیهان مذاهب اسلامی در این باب دو دیدگاه دارند؛ برخی باور دارند مرزها، شرعی نیستند و جهان را به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کنند. تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم‌بندی‌ای اعتقادی است و بیشتر فقیهان قائل به این تقسیم‌بندی، کسانی هستند که در زمان آنها مرز وجود خارجی نداشته است. قبل از پیدایش مرزهای نوین نیز دولت‌های متعدد وجود داشت؛ اما هیچ‌یک از فقیهان با سرحد که نقش مرز در آن زمان را داشت، مخالفت نکرده است. برخی از فقیهان کنونی که مرزهای نوین را در جایگاه امری اولی نپذیرفته‌اند، دست‌کم آن را امری ثانوی پذیرفته‌اند. بیشتر فقیهان مذاهب اسلامی مرزهای جغرافیایی را امری اولی می‌پذیرند. واژه‌های دارالاسلام و دارالکفر در قرآن وجود ندارد، بلکه در برخی روایات وارد شده است؛ بنابراین فقیهان مذاهب اسلامی با استفاده از این روایات، تعاریف فراوانی را برای این دو واژه ارائه کرده‌اند. از دیدگاه برخی از فقیهان، دارالاسلام سرزمینی است که مسلمانان آن را ساخته باشند یا آن را فتح کرده باشند (حلی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ص ۳۴۹).

نخستین دلیلی که بر اعتبار مرزهای جغرافیایی می‌توان اقامه کرد، قاعده اولویت است. هنگامی که شارع سرحد را می‌پذیرد، به طریق اولی مرزهای دقیق‌تر را باید تأیید کند؛ چراکه در ماهیت سرحد و مرز تفاوتی نیست و حتی مرزها محدوده کشورهای را بهتر مشخص می‌کند (احمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۰). برخی از فقیهان شیعه، ضرورت و

مصلحت را دلیل اعتبار مرزهای جغرافیایی جدید می‌دانند و بیان می‌کنند وجود کشورها و ملت‌های مختلف پذیرفتنی نیست. اسلام همهٔ مسلمانان را یک امت می‌داند و مرزهای جغرافیایی اصالتاً اعتباری ندارد. از نظر ایشان مرزهای جغرافیایی تنها به دلیل مصالح و شرایط خاص ممکن است اهمیت پیدا کند. در حال حاضر مصالحی اقتضا می‌کند این مرزها کم‌وبیش اعتبار داشته باشند؛ اما این امر جنبهٔ ثانوی و فرعی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۲).

برخی فقیهان اهل سنت مرزهای جغرافیایی جدید را معتبر می‌دانند و وجود کشورهای مختلف اسلامی را در صورتی که قانون آنها مغایر با اسلام و قرآن نباشد، جایز می‌دانند و چنین بیان می‌کنند که در صورت پهناور بودن دارالاسلام، تقسیم دارالاسلام به واحدهای سیاسی کوچک‌تر و فتوای فقیهان اسلامی بر جواز تعدد امامت، راه حل رسیدگی بهتر به سرزمین‌های اسلامی و همهٔ مسلمانان است (الزحیلی، ۱۴۱۹: ص ۱۸۰).

دلیل دیگر قاعده اصالت لزوم در عقود است؛ بر مبنای این قاعده طرفین یک قرارداد باید به مفاد آن پایبند باشند؛ چراکه شارع این پایبندی را واجب کرده است. بر اساس این قاعده، اصل در هر عقدی، لزوم به معنای وجوب پایبندی به مفاد آن است. دلیل حجیت این قاعده، بنای عقلاست که سیره عقلای عالم مورد تأیید شارع نیز قرار گرفته است. آیهٔ اول سورهٔ «مائده» «اوفوا بالعقود» بر لزوم پایبندی به همهٔ عقود دلالت دارد. در سیرهٔ پیامبر گرامی اسلام مواردی نشان‌دهندهٔ لزوم پایبندی به قراردادهاست؛ از جمله صلح حدیبیه قراردادی بود که بین رسول خدا (ص) و مشرکان مکه بسته شد و پیامبر خدا تا زمان عهده‌شکنی مکیان، به قرارداد پایبند بودند. پیامبر (ص) در نامه‌هایی که به سران کشورهای مختلف نوشته‌اند، به شهادت اسناد و روایات تاریخی به تمامیت ارضی آنها احترام گذاشته‌اند (احمدی میانجی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۶۱ - ۲۶۳). هدف پیامبر (ص) در برخورد با جوامع

مختلف، اسلام آوردن آنها یا پذیرش حاکمیت اسلام بود؛ از این رو وقتی یکی از این دو امر حاصل می‌شد، رسول خدا (ص) اداره امور داخلی آنان را به خودشان واگذار می‌کردند (احمدی میانجی، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۱۵۲).

دلیل دیگری که در تحقیقات پیشین نیامده و می‌توان برای اعتبار مرزهای جغرافیایی ارائه کرد، این است که مسئله شکل مرزهای جغرافیایی امری عرفی است که به خود مردم واگذار شده است؛ با این بیان که خداوند مالکیت تمامی افراد بر سرزمین‌هایشان را می‌پذیرد. تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر اثبات‌کننده حق مالکیت کفار بر سرزمین خودشان است. وجود جداکننده بین سرزمین‌ها امری بدیهی و مسلم است. در آیات قرآن و روایات شکل خاصی برای این جداکننده در نظر گرفته نشده است. جداکننده در گذشته سرحد بود و عموم مردم و شرع نیز آن را پذیرفته بودند. امروزه مرزها جداکننده بین کشورها هستند و توسط تمامی کشورها از جمله مسلمانان پذیرفته شده است؛ از این رو شرع نیز آن را می‌پذیرد؛ بنابراین خود مرز اصالت ندارد، هر چند ممکن است در آینده مرز نیز تغییر کند و جداکننده دقیق‌تری جای آن را بگیرد.

۵. مسئولیت عام و خاص در مرزداری از دیدگاه مذاهب فقهی

مرزداری سنتی دو شاخه اصلی دارد: حضور فیزیکی مرزدار در مرز؛ دیگری حفاظت از مرز برای جلوگیری از تهاجم دشمن. این دو رکن اساسی در کلام فقیهان به روشنی مشخص شده است. برخی فقیهان شیعه در تعریف مرزداری گفته‌اند: «ارصاد و کمین کردن در حدود و ثغور بلاد مسلمین تا از تهاجم کفار جلوگیری شود» (خویی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۳۷۶). گروهی دیگر مرزداری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «در کمین نشستن و اقامت کردن است برای حفظ و نگهداری مرز از تهاجم مشرکان» (نجفی، ۱۳۹۲: ج ۲۱، ص ۳۳۸).

مرزداری از دیدگاه فقیهان اهل سنت، اقامت سربازان در مرز برای حفظ مرزهای سرزمین مسلمانان و جلوگیری از دخول دشمن به سرزمین مسلمانان است (دویش، [بی تا]: ج ۱، ص ۳۲). فقیهان وهابی نیز چنین برداشتی از مرزداری دارند؛ برای نمونه یکی از فقیهان معروف وهابی مرزداری را این‌گونه تعریف می‌کند: «رباط اقامت در ثغور است و ثغور، مرزهایی است که مسلمانان از هجوم دشمن به آنجا خوف دارند. مرابط، مرزداری است که خودش را برای جهاد در راه خدا و دفاع از دینش و برادران مسلمانانش آماده کرده است» (بن باز، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۴۵). در تعریف‌های ارائه شده، دو شرط اساسی وجود دارد؛ یکی حضور فیزیکی مرزدار در مرز و دیگری جلوگیری از تهاجم دشمن؛ بنابراین این دو شرط، ویژگی اصلی مرزداری سنتی است. امروزه با تغییرات به وجود آمده در مرزداری ممکن است مرزدار در مرکز کشور باشد و با فناوری جدید به کنترل مرزها پردازد و دیگر اینکه حفاظت از مرز فقط برای جلوگیری از تهاجم دشمن نیست، بلکه کنترل مرز برای جلوگیری از ورود و خروج کالا، مواد مخدر، ورود و خروج اتباع بیگانه و مسائلی از این قبیل تفاوت میان مرزداری سنتی و مدرن است.

دلیل اعتبار و شرعیت مرزداری جدید، آیه ۶۰ سوره «انفال» است. خداوند در این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد هرچه در توان دارید، برای مقابله با دشمن خود را آماده کنید. مرزداری و داشتن استحکام‌های مرزی قوی، از مصادیق آمادگی است که در این آیه به آن امر شده است. چنان‌که گذشت، روایات فراوانی نیز در باب مرزداری وجود دارد که آن را برتر از اعمال واجبی مانند نماز و روزه می‌داند؛ بر این اساس این روایات نیز شرعیت مرزداری را تأیید می‌کنند.

بیشتر فقیهان شیعه معتقدند در عصر غیبت، تمام شئون امام معصوم به فقیه جامع‌الشرایط می‌رسد. وقتی فقیه تشکیل حکومت داد، مرزداری نیز زیر نظر ایشان انجام

می‌شود. مرزداری از اموری است که به مقدمات فروانی نیاز دارد که انجام آن از عهده اشخاص خارج است و دولت‌ها باید عهده‌دار آن شوند و مقدمات آن را فراهم نمایند. با تشکیل نظام اسلامی، حفظ نظام اسلامی واجب می‌شود که مرزداری از مصادیق حفظ نظام است. اگر از مرزها محافظت نشود، موجودیت نظام به خطر می‌افتد؛ بنابراین از این طریق شرعیت و اعتبار مرزداری ثابت می‌شود (لنگرودی، ۱۳۸۰: ص ۲۶).

فقیهان اهل سنت نیز باور دارند مرزداری از وظایف حکومت است؛ از این رو هر کسی خلیفه شد، مرزداری نیز بر اساس نظر او انجام می‌شود. فقیهان اهل سنت مهم‌ترین وظایف خلیفه را این‌گونه برمی‌شمرند: حفظ دین، اجرای حدود، پاسداری از مرزها و جهاد با دشمنان (الصعیدی العدوی، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۴۸۱). همچنین معتقدند در صورتی که دشمن به سرزمین مسلمانان هجوم آورده باشد، مرزداری بر تمامی افراد واجب است و در این حکم فرقی بین اینک والدین اجازه داده باشند یا نه و شخص بنده یا آزاد نیست (البقاعی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۲۲).

دلیل دیگر بر وجوب مرزداری، قاعده نفی سبیل است؛ مبنای این دلیل، آیه ۱۴۱ سوره «نساء» است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ بر اساس این آیه اگر مرزداری انجام نشود، کافران تسلط پیدا می‌کنند؛ درحالی‌که سلطه کافران به هر شکل ممکن نفی شده است.

با دلایلی که بیان شد، شرعیت و اعتبار مرزداری در دنیای مدرن ثابت می‌شود. بیشتر فقیهان اسلامی مرزداری را واجب کفایی می‌دانند، اگرچه این نظر مخالفانی نیز دارد. در شرایط کنونی که به اندازه نیاز اقدام به این عمل کرده‌اند، مرزداری برای عموم مردم مستحب است. در آیه ۶۰ سوره «انفال» پس از امر به آمادگی رزمی، خداوند می‌فرماید: «آنچه در راه خدا انفاق می‌کنید، تمام و کامل به شما عوض خواهد داد». می‌توان چنین گفت مسئولیت

مردم عادی در شرایط کنونی، کمک مالی برای انجام مرزرداری است و مسئولیت مرزداران حرفه‌ای انجام امر خطیر مرزرداری است. فقیهان مذاهب اسلامی در بیان احکام مرزرداری بین عموم مردم و مرزداران حرفه‌ای تفاوتی قائل نشده‌اند. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی دنیا باید بین عموم و خصوص تفاوت قائل شد؛ بنابراین مرزرداری برای مردم عادی مستحب و برای مرزداران حرفه‌ای واجب عینی است. دلیل وجوب عینی نیز قراردادی است که مرزداران با دولت اسلامی بسته‌اند. آیاتی مثل «أوفوا بالعقود» بر وجوب وفای به آن دلالت می‌کند. دلیل دیگر مزدی است که در مقابل انجام مرزرداری می‌گیرند. اگر مزد دریافت کنند و کار را انجام ندهند، از مصادیق اکل مال به باطل است که به دلیل آیه ۲۹ سوره «نساء» یعنی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» دریافت آن حرام است.

نتیجه

فقیهان مذاهب اسلامی در باب مرز و دیدگاه دارند؛ عده‌ای که مرز را غیر شرعی می‌دانند، استدلال کرده‌اند مرز در تاریخ اسلام سابقه‌ای ندارد و ساخته و پرداخته کشورهای غربی و استعمارگر است دین اسلام جهان را به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کند و مرزهای امروزی را نمی‌پذیرد. گروهی که مرز را شرعی می‌دانند، برای اثبات نظر خود دسته‌ای از دلایل را ارائه می‌کنند؛ برخی از ایشان مرز را بر اساس مصلحت و ضرورت می‌پذیرند و گروهی دیگر قاعده اولویت و اصل لزوم پابندی به عقود را دلیل شرعی بودن مرز می‌دانند. قائلین به شرعی بودن مرز استدلال می‌کنند که مصلحت دنیای اسلام چنین اقتضای کند که ما مرزهای جغرافیایی جدید را بپذیریم و به وسیله آنها از تجاوز و دست‌درازی بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی جلوگیری کنیم.

قبل از ترسیم مرزهای کنونی، کشورهای استعمارگر و متجاوز به دلیل مشخص نبودن محدوده کشورها به خاک آنها تجاوز می‌کردند و باعث درگیری‌های خونین می‌شدند؛ اما با پذیرش مرزها به وسیله تمامی کشورهای دنیا بسیاری از درگیری‌ها پایان یافت؛ از این رو ضرورت اقتضا می‌کند این مرزها پذیرفته شود. برخی از محققان در آثار خود آورده‌اند قبل از مرزهای جدید، سرحدات جداکننده سرزمین‌ها بودند و این سرحدات مورد پذیرش فقیهان مذاهب اسلامی بود. وقتی سرحد شرعی باشد، باید به طریق اولی مرز هم شرعی باشد؛ چراکه مرز تمام کارکردهای سرحد دارد و حتی از آن نیز دقیق‌تر است. گروهی زیادی از فقیهان مذاهب اسلامی بیان می‌کنند که مرزهای جدید به وسیله دولت‌های اسلامی طبق معاهداتی بین‌المللی پذیرفته شده است؛ بنابراین طبق اصل مسلم لزوم پایبندی به عقود پذیرش آنها بر همه مسلمان واجب است. دلیل دیگری که می‌توان به این دلایل اضافه کرد و در آثار گذشته نیامده، این است که مسئله مرزهای جغرافیایی مسئله‌ای عرفی است. شارع مالکیت تمام افراد بر سرزمین‌هایشان را پذیرفته است؛ همچنین وجود جداکننده بین سرزمین‌ها نیز امری مسلم و مورد پذیرش تمام عقلای عالم است. در متون دینی نیز شکل خاصی برای این جداکننده در نظر گرفته نشده است.

با پیشرفت علم، مرزها جای سرحدات را گرفتند و توسط همگان پذیرفته شدند؛ از این رو شرع نیز آن را تأیید می‌کند. ممکن است در آینده نیز شکل مرزها تغییر کند و چیز دیگری جای آن را بگیرد. عده کمی از فقیهان مذاهب اسلامی مرزداری را در عصر غیبت جایز نمی‌دانند؛ با این استدلال که مرزداری مستلزم جهاد ابتدایی است و جهاد ابتدایی نیز بدون حضور معصوم جایز نیست؛ بنابراین مرزداری نیز در عصر غیبت جایز نمی‌باشد. تعدادی از فقیهان نیز قائل به استحباب مرزداری در عصر غیبت هستند. بیشتر فقیهان

مذاهب اسلامی مزداری را واجب کفایی می‌دانند و برای اثبات دیدگاه خود به آیات ۶۰ سوره «انفال» و ۲۰۰ «آل عمران» استدلال می‌کنند و معتقدند در این آیات امر به مزداری شده است. افزون بر آیات، احادیث فراوانی نیز در باب مزداری در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد که مزداری در راه خدا را برتر از اعمال شریفی همچون حج و نماز می‌داند و در برخی از این روایات این عمل هم‌ردیف با جهاد دانسته شده است. فقیهان مذاهب اسلامی در بیان حکم، تفاوتی بین عموم مردم با مزداران حرفه‌ای قائل نشده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی که مزداری به یک حرفه تبدیل شده است و به علت زیادبودن تعداد متقاضیان بین آنها گزینش می‌شود، لازم است در بیان حکم بین مردم و مزداران حرفه‌ای تفاوت قائل شد؛ بنابراین مزداری برای مردم عادی مستحب و مسئولیت آنها کمک مالی به امر مزداری است. مزداری برای مزداران حرفه‌ای نیز واجب عینی است و مسئولیت آنها حفاظت و حراست از مرزهای کشورهای اسلامی است.

پی‌نوشت

۱. تهران: مرزبانان، ۱۳۹۸.

۲. نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۱۴، پاییز ۱۳۸۸.

کتاب‌نامه

قرآن کریم (۱۳۸۷ ش)؛ ترجمه: ناصر مکارم شیرازی؛ قم: نشر اسوه.

ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ ق)؛ مسند احمد بن حنبل؛ ج ۱، چ اول، بیروت: دار الفکر.

ابن عجبیه، احمد بن محمد [بی‌تا]؛ بحر المدید؛ قاهره: هیئة المصریه العامه.

اعتبار مرزهای جغرافیایی و مسئولیت عام و خاص در مرزداری از نظر فقیهان مذاهب / ۱۳۱

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ ج ۴، چ دوم، بیروت: دارالصادر.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ ق)؛ عوالی اللثالی؛ ج ۱، قم: نشر سیدالشهداء.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۷۷ ش)؛ مکاتیب الرسول؛ قم: دارالحدیث.
- احمدی، محمد حسن (۱۳۹۴ ش)؛ تبیین مفهوم مرز و جایگاه آن در فقه سیاسی اسلام؛ چ اول، تهران: مرزبانان.
- آقابابایی، حسین، (۱۳۸۹ ش)؛ «جغرافیا و امنیت در اسلام و جمهوری اسلامی ایران»؛ آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم رضوی، ش ۱۳.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ق)؛ صحیح بخاری؛ ج ۴، قاهره: جمهوریة المصر العربیة.
- البقاعی، یوسف [بی تا]؛ کفایة الطالب الربانی؛ ج ۲، بیروت: دارالفکر.
- بن باز، عبدالعزیز [بی تا]؛ مجموعه الفتاوی علامه عبدالعزیز بن باز؛ ج ۲، ریاض: رئاسة ادارة البحوث العلمیة و الافتاء.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ ق)؛ تذکرة الفقهاء؛ ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی، عبدالله بن مقداد سیوری (۱۳۸۳ ش)؛ کنز العرفان فی فقه القرآن؛ ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛ ج ۱، چ اول، قم: نوید اسلام.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷ ش)؛ منهاج الصالحین؛ ج ۱، چ ۲۷، قم: مؤسسه آل البيت.
- دویش، احمد بن عبدالرزاق [بی تا]؛ فتاوی اللجنة الدائمة؛ ج ۱۲، ریاض: رئاسة ادارة البحوث العلمیة و الافتاء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ ش)؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۱ ق)؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دارالعلم.
- الزحیلی، وهبه (۱۴۱۹ ق)؛ آثار الحرب فی فقه الاسلامیة؛ دمشق: دارالفکر.
- شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی (۱۴۱۷ ق)؛ الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة؛ ج ۳، چ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
- الصعیدی العدوی، علی (۱۴۱۱ ق)؛ حاشیة العدوی علی شرح کفایة الطالب الربانی؛ ج ۴، بیروت: دارالفکر.

- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۰۲ ق)؛ حاشیه الکفایه؛ قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
طنطاوی، محمد [بی تا]؛ التفسیر الوسیط؛ قاهره: دار النهضة مصر.
عبدالرحمن، محمود (۱۴۱۹ ق)؛ معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه؛ ج ۲، قاهره: دار الفضیله.
عبده، محمد (۱۹۹۰ م)؛ المنار؛ ج ۱۰، بیروت: دار المصرفه.
عراقی، آفاضیاءالدین (۱۴۰۷ ق)؛ نه‌ایة الافکار؛ ج سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
قرائتی، محسن (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نور؛ ج ۳، چ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
گروهی از علمای الازهر؛ تفسیر منتخب؛ ج ۱، بیروت: دار الارقم.
لنگرودی، مرتضی (۱۳۸۰ ش)؛ الرسائل الثلاث؛ ج ۱، قم: مطبعه الاسلام.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶ ش)؛ نظریه حقوقی اسلام؛ ج ۱، چ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نمونه؛ ج ۳، چ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
نجفی، محمدحسین (۱۳۹۲ ش)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ تصحیح: شیخ عباس قوچانی؛ ج ۲۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
نوری همدانی، حسین [بی تا]؛ آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام؛ قم: قدسیان.